

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی

۰۱ می ۲۰۱۸

اول ماه مه روز قدرت نمایی کارگران در مقابل سرمایه‌داران!

کارگران ایران همزمان با همطبقه‌هایشان در جهان، در حالی به استقبال روز جهانی خود می‌روند که دستمزدهای چهار برابر زیر خط فقر بر آن‌ها تحمیل شده و در عین حال بحران اقتصادی به شکل غیرقابل کنترولی درآمده است. در این میان، بیکاری، تورم، گرانی و همچنین سرکوب و اختناق غیرقابل تحمل شده است. همین دستمزدهای ناچیز کارگران را نیز به موقع پرداخت نمی‌کنند.

در حالی که سید هزینه واقعی زندگی یک خانوار چهار نفره بالای پنج میلیون تومان است و عوامل حکومت در نهادهای دست‌ساز کارگری، آن را سه میلیون و ۷۰۰ هزار تومان تعیین کردند؛ با این حال، یک میلیون و یکصد و یازده هزار تومان به عنوان حداقل مزد، برای سال ۹۷ اعلام کردند تا هر چه بیشتر خانواده‌های کارگری را به فقر فقر و فلاکت بفرستند.

در عین حال ۱۱ میلیون کارگر در کشور، دارای قرارداد موقت هستند که حداقل دستمزد شامل حال آن‌ها نمی‌شود. ناهید تاج‌الدین عضو هیأت رئیسه کمیسیون اجتماعی مجلس، به تازگی گفته است: «در خوشبینانه‌ترین حالت، ۸۵ درصد کارگران در کشور قرارداد موقت هستند و از ۱۳ میلیون کارگر شاغل در کشور که سه نوع اشتغال دائم، غیر مستمر و پروژه‌ای دارند؛ بیش از ۱۱ میلیون آن قرارداد موقت هستند، البته ما کارگران پنهانی نیز داریم که در فهرست تأمین اجتماعی نبوده و این‌ها نیز عموماً قراردادهای موقت زیر یک‌سال دارند.»

حکومت اسلامی ایران، به معنای واقعی یک حکومت سرمایه‌داری استثنائی در جهان است. حکومتی که کودکان را اعدام می‌کند؛ حکومتی که در ردیف نخست و یا دوم اعدام در جهان قرار دارد؛ حکومتی که مانند قرون وسطا در میدین شهرها قربانیان خود را به دار می‌آویزد و به نمایش عموم می‌گذارد؛ حکومتی که رهبر آن خامنه‌ای از سوی نهادهای بین‌المللی، دشمن درجه یک آزادی بیان و اندیشه معرفی شده



است؛ حکومتی که به زور سرکوب و پولیس حجاب اسلامی را بر زنان تحمیل کرده است؛ حکومتی که از سوی نهادهای بین‌المللی، یکی از فاسدترین حکومت‌ها معرفی شده است؛ حکومتی که دزدی و رانت‌خواری و غارت اموال عمومی جامعه در آن، نهادینه شده است؛ حکومتی که سران آن در روز روشن و در مقابل دوربین‌های تلویزیونی دروغ می‌گویند؛ حکومتی که هیچ احترامی به حقوق کودکان و بازنشستگان نمی‌گذارد؛ حکومتی که در جهان و منطقه به‌عنوان حامی تروریسم معروف شده است؛ حکومتی که عدم پرداخت دستمزد ناچیز کارگران توسط کارفرمایان و پیمان‌کاران دولتی و خصوصی را نه تنها جرم نمی‌شمارد، بلکه کارگران معترض و حتی خانواده آن‌ها را نیز تهدید و سرکوب و زندانی می‌کند و شلاق می‌زند؛ حکومتی که دشمن جشن و شادی و موزیک است و به جوانانی که جشن فارغ‌التحصیلی و تولد و غیره می‌گیرند در صورت دستگیری شلاق می‌زند؛ حکومتی که در خصوصی‌ترین امر شهروندان دخالت پولیسی می‌کند؛ و نهایت در ثروتمندترین کشور جهان، میلیون‌ها انسان بیکار اند و اکثریت شهروندان ۸۰ میلیونی جامعه ایران نیز به شدت نگران آینده خود و فرزندان‌شان و حتی نگران تأمین نیازهای روزمره خود هستند!

در این میان، کارگران، بیکاران، محرومان جامعه و خانواده‌های آن‌ها در معرض انواع و اقسام خطرات و آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. بنابراین، همه آن‌چه که در بالا بدان‌ها اشاره کردیم مستقیماً بر زیست و زندگی طبقه کارگر و عموم ستمدیدگان جامعه ایران تأثیر می‌گذارند. از این‌رو، طبیعی‌ست که طبقه کارگر و حامیان آن، روز جهانی خود را به یک روز مبارزه سراسری علیه کلیت حکومت سرمایه‌داری اسلامی ایران تبدیل کنند و به حدی قدرتمند ظاهر شوند که سران و مقامات و تئوریسین‌ها و نهادهای نظامی، سیاسی و قضائی حکومت را چنان دچار رعب و وحشت سازند تا به مطالبات فوری کارگران که همانا افزایش دستمزدها و پرداخت دستمزدهای معوقه است سریعاً اقدام کنند. همچنین عدم پرداخت به موقع دستمزد کارگران، به لحاظ قانونی جرم محسوب شود تا کارفرما و پولیس حق نداشته باشند دست در دست هم به کارگران معترض یورش ببرند.

همان‌طور که گفتیم در جامعه ایران، ثروت‌های سرشاری وجود دارد اما این ثروت‌ها، نباید به عرصه‌های خدماتی و رفاه عمومی، اشتغال، آموزش و بهداشت و درمان و غیره اختصاص داده شوند. ارقام بودجه سالانه دولت، به روشن‌ترین شکلی تعیین می‌کند که بخش اعظم بودجه سالانه، بین نهادها و حتی افراد خودی، به ویژه به عرصه میلیتاریسم اختصاص داده شود.

در یک نگاه ساده به بودجه سال ۱۳۹۷، می‌بینیم که بخش اعظم بودجه سال ۱۳۹۷ کشور، به عرصه نظامی و نهادهای مذهبی اختصاص یافته است. هزینه‌هایی که بر بودجه عمومی تحمیل می‌شود غیر از ۳۷ میلیارد تومان برای مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۴۷ میلیارد تومان برای مجمع جهانی اهل بیت و مبالغ هنگفت دیگری است که به مؤسسه و نهادهای مشابه اختصاص می‌یابد.

علاوه بر این‌ها، در لایحه پیشنهادی دولت برای مؤسسه آموزشی موسوم به «جامعه المصطفی العالمیه» که مرکز آن در قم قرار دارد و برای ترویج و تعلیم علوم اسلامی در کشورهای دیگر فعالیت می‌کند ۳۰۳ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است.

فهرست نهادهای مذهبی در لایحه بودجه سال ۱۳۹۷، بسیار طولانی است. آن‌چه در این لایحه، مانند بودجه سالیان گذشته جلب نظر می‌کند عدم تناسب میان منابعی است که برای بخش‌های مختلف در نظر گرفته شده است. به‌عنوان نمونه، بودجه شورای سیاست‌گذاری «حوزه‌های علمیه خاوران» نزدیک به ۱۳ برابر کل بودجه معاونت امور زنان و

خانواده ریاست جمهوری و بیش از دو برابر ۱۳۸ میلیارد تومانی است که برای برنامه حمایت از خانواده و زنان سرپرست خانوار پیش‌بینی شده است.

از میان ده‌ها نهادی که برای «تبلیغات اسلامی» بودجه دریافت می‌کنند، برای تنها دو مرکز (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم و سازمان تبلیغات اسلامی) روی هم ۳۰۳ میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته شده است.

این سیاست اقتصادی «سخت‌مندان» دولت شیخ حسن روحانی در حالی است که سازمان حفاظت محیط زیست و پژوهشکده آن روی هم، با وجود انبوه مشکلات و تهدیدهایی که محیط زیست و سلامت شهروندان با آن روبه‌رو هستند، کمتر از ۲۷۴ میلیارد تومان بودجه دارد.

کارشناسان هشدار داده‌اند که اگر تا سال ۲۰۳۰ میلادی جلوی خشک شدن کامل دریاچه ارومیه گرفته نشود، زندگی دست‌کم ۱۴ میلیون نفر در معرض خطر قرار خواهد گرفت.

در کنار این‌ها، صدها میلیارد تومان دیگر صرف دیگر حوزه‌های علمیه، مدارس علوم دینی و حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی طلاب سراسر کشور می‌شود. در حالی که وزارتخانه‌های آموزش و پرورش و بهداشت و درمان، فقیرترین وزارتخانه‌های ایران هستند و مسئولین آن، همواره از کسر بودجه می‌نالند.

علیرضا سلیمی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس روز ۲۰ آذر [قوس] ۹۶، به خبرگزاری «خانه ملت» گفت: «مناطق زلزله‌زده و مدارس که تخریب شده‌اند، نیازمند ساماندهی هستند و این در حالی است که هم اکنون آموزش و پرورش با کسری ۶ هزار میلیارد تومانی روبه‌رو است بنابراین به نظر نمی‌رسد با توجه به شرایط هزینه آموزش و پرورش بودجه فعلی تعیین شده برای سال ۹۷ پاسخگوی هزینه‌ها به‌طور کامل و کسری وزارت آموزش و پرورش باشد.»

نهاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران نیز برای سال ۹۷، ۹۴ میلیارد تومان بودجه دریافت می‌کند که صرف کارهایی نظیر اعزام مبلغان روحانی، «توانمندسازی طلاب رزمی - تبلیغی» و «برگزاری مراسم، مناسبت‌ها و فضا سازی معنوی» شود.

علاوه بر این سازمان تبلیغات اسلامی نیز قرار است در سال جاری برای اموری چون «حمایت از فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی تشک‌ها و آحاد و افشار تأثیرگذار، هدایت و حمایت از اجرای مراسم و فعالیت‌های فرهنگی، دینی و انقلابی و اطلاع‌رسانی و تبلیغات دینی رسانه‌ای»، ۱۶۹ میلیارد تومان بودجه دریافت کند.

دولت دوازدهم که پس از زلزله کرمانشاه هنوز برای بسیاری از زلزله‌زدگان سر پناه مناسبی تدارک ندیده، در لایحه پیشنهادی خود، ۲۱۸ میلیارد تومان برای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در نظر گرفته تا صرف برنامه‌هایی از قبیل «اعزام استادان و مبلغان به کشورهای مختلف جهان و برگزاری و حمایت از برگزاری مراسم و مناسبت‌های مذهبی و فعالیت‌های قرآنی در خارج از کشور» شود.

در آستانه سال تحصیلی ۹۶-۹۵ وزیر آموزش و پرورش اعتراف کرد که هیچ وزیری از انقلاب تاکنون قادر به حل مشکل معیشتی معلمان نبوده است.

معلمان معترض اند که دولت آن‌ها را با کارکنان دیگر وزارتخانه‌ها یکسان نمی‌بیند و پاداش و مزایا برای معلمان کمتر از کارمندان وزارتخانه‌های دیگر است. بنابراین، روزی نیست که معلمان شاغل و بازنشسته اعتراض نکنند.

حاکمیتی که چهار دهه به «مستضعف پناهی» تظاهر کرده، اما بی‌شرمانه در ملاءعام به کارگران شلاق زده؛ فعالان کارگری را زندانی و شکنجه کرده، دستمزد آن‌ها را به جیب زده و نهایتاً سرکوب و سانسور و استنثار شدیدی را در کارنامه خونین خود دارد؛ با ممنوعیت تشک‌های مستقل کارگری و سرکوب هر گونه فریاد حق‌خواهی کارگران،

شرایطی را در جامعه ایران حاکم کرده است که امروزه در ایران به عنوان یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان، حداقل مزد کارگران، چهار برابر زیر خط فقر بوده و این دستمزد ناچیز را هم معمولاً با تأخیر پرداخت می‌کنند.

بسیاری از مراکز اقتصادی به علت تعطیلی و نیمه تعطیلی، همین حداقل دستمزد را هم پرداخت نمی‌کنند؛ در اثر خصوصی‌سازی واحدهای تولیدی، همچنان تعدیل و اخراج و بی‌حقوقی کارگران ادامه دارد.

ارگان‌های سرکوب حکومت، به‌ویژه سپاه پاسداران آن و شرکت‌های وابسته به «برادران قاچاقچی»، که بخش اعظم اقتصاد و صنایع ایران را در اختیار دارد هم دستمزد کارگران را به موقع پرداخت نمی‌کنند و هم کارگران معترض را شدیداً سرکوب می‌کنند. قرارگاه خاتم وابسته به سپاه با غارت اموال عمومی جامعه، صدمات جبران‌ناپذیری به محیط زیست وارد کرده‌اند و میلیون‌ها انسان، از جمله کشاورزان را به ورطه فقر و نابودی مطلق رانده‌اند.

در حقیقت سیاست‌های اقتصادی حکومت اسلامی، سبب شده که آسیب‌های اجتماعی در ایران تکان‌دهنده باشد: کودک کار، کودک خیابانی، کارتن‌خوابی، کولبری، دست‌فروشی، تن‌فروشی، کلیه‌فروشی، جنین‌فروشی، اعتیاد به مواد مخدر، طلاق و خودکشی را به اوج رسانده است. صدها هزار کودک، برای سیر کردن شکم خود، به زباله‌گردی روی آورده‌اند. با توجه به آنچه اشاره شد ادامه بحران و رکود اقتصادی، نه تنها مانع اشتغال می‌گردد، بلکه امنیت شغلی کارگران شاغل را نیز بیش از پیش به خطر می‌اندازد.

در جمع‌بندی این مبحث، ضروری است که تجارب ارزنده خیزش و همچنین سرکوب دی ماه [جدی] سال گذشته را همواره مدنظر داشته باشیم و به این نتیجه برسیم که جز مبارزه متحدانه و همبسته و هدفمند کارگران و خلق‌های محروم سراسر ایران که متحد طبیعی مزدبگیران و ستمدیدگان هستند، راه دیگری برای خلاصی از وضعیت فلاکت‌بار وجود ندارد. و در این میان تشکل مهم‌ترین ابزار ما برای رسیدن به اهداف تاکتیکی و ستراتیژیک مان است. پس ضرورت عاجل دارد که در این دوره، نیروی ویژه‌ای به عرصه تشکلیابی در کارخانه‌ها، محلات، دانشگاه‌ها، مدارس و هر جا که امکانش وجود دارد بدهیم. تشکل‌هایی که خود را برای مدیریت دمکراتیک آینده جامعه ایران آماده کنند و نگذارند جامعه در تحولات احتمالی پیش رو، غافلگیر شود.

اول ماه مه روز جهانی کارگر، روز همبستگی و روز طرح خواسته‌ها و مطالبات همه بخش‌های کارگری، بیکاران و خانواده‌های مزدبگیران است تا این مطالبات را در طول ۳۶۵ روز سال پیگیری کنند. این روز، کارگران نباید به هیچ عنصر بورژوازی و حکومت آن، اجازه تعرض دهند. این روز، روز اعتراض و اتحاد جهانی کارگران علیه ستم و بردگی در سرتاسر جهان است. تاریخ اثبات کرده است که اگر کارگران صفوف خود را متحدتر کنند و به‌طور هدفمند به مبارزه طبقاتی خود روی آورند و در ابعادی سراسری با خواست رهایی از فقر و فلاکت و سرکوب، دست به مبارزه هدفمند بزنند، هیچ نیروئی توان مقابله با آن را نخواهد داشت. اگر مبارزه موجود کارگران شاغل و بیکار، بازنشستگان، معلمان، پرستاران، دانشجویان، دانش‌آموزان، روزنامه‌نگاران، هنرمندان، نویسندگان پیشرو و محرومان و ستمدیدگان، مال‌باختگان، کشاورزان و مبارزه خلق‌های محروم و ستمدیده کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان، ترکمن صحرا، لرستان، مرکز و شمال ایران با هم متحد شوند بی‌تردید می‌توانند گام‌های تعیین‌کننده‌ای را در راستای پایان دادن به مشقات و مصائب موجود بردارند. بنابراین، جز خود طبقه کارگر و متحدان آن، هیچ‌کس به فکر نجات مردم و جامعه از نابودی و تباهی و فقر و فلاکت و جنگ نیست.

بحران‌های اقتصادی و سیاسی ایران، به جایی رسیده است که آیت‌الله‌های حکومتی نیز به‌شدت نگران آینده حکومت‌شان هستند. آیت‌الله جوادی آملی، با اشاره به مشکلات اقتصادی کشور، چنین هشدار داده است: «بدانیم که اگر با وجود این مشکلات ملت قیام کند همه ما را به دریا خواهد ریخت به همین جهت حواس‌تان باشد.» او که در دیدار با علی ربیعی

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، سخن می‌گفت، خطاب به مسئولان حکومت افزود: «بسیاری از کشور فرار کردند یا جای فرار خود را فراهم آوردند اما ما جای فرار نداریم.»

بدون شک، ما سازندگان و تولیدکنندگان نیازهای جامعه بشری با اتحاد طبقاتی مان، نه تنها قادر است قدرت دولتی را درهم بشکنیم، بلکه می‌توانیم مدیریت جامعه را در همه عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، دفاعی و دیپلماسی به‌عهده بگیریم و از طریق تشکل‌های خودگردان و خودساخته دموکراتیک خود همچون شوراها و مجالس مردمی، جامعه را به بهترین وجهی مدیریت کنیم!

*برگرفته از شماره پنجم (نیمه دوم اپریل ۲۰۱۸) نشریه «کمون»، نشریه پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران